

## نامه ای برای معاون ریاست جمهوری امریکا

محترم آقای جو بایدن، معاون رئیس جمهور اضلاع متحده امریکا،

اینجانب یکی از پناهندگان افغان که در ایالت کالیفورنیا زندگانی مینمایم، موضوع بسیار مهم اجتماعی و سیاسی ایرا که برای افغان ها تشویش زیادی را خلق کرده است، محترمانه به شما ارائه مینمایم: بنده معلومات تجربوی و علمی خویش را در امور اجتماعی، کلتوری و تاریخی افغانستان از زمانیکه سی سال قبل پناهندگی را درین ملک معظم اختیار کرده ام وقتاً فوقتاً به مقامات مسئول دولت امریکا ارسال و به گروپ های علاقمند در موضوع افغانستان ارائه کرده ام.

علاقمندی و معلومات عمیق شما را در امور جهانی از زمانیکه بحیث عضو کمیته خارجی مجلس سنای امریکا و بعد بحیث يك معاون براننده ای در حکومت شاغلی اوایما انتخاب گردیده اید، با علاقه تعقیب نموده ام.

معلومات وسیع شما در امور و مسائل بین المللی، مارا به موقف حکومت اضلاع متحده و بر آوردن اهداف صلح آمیز و رشد اقتصاد جهانی امیدواری میبخشد. اخیراً بعضی از اعضای حزب مخالف سیاسی اضلاع متحده امریکا تحت تأثیر تبلیغات نمایندگان جنگ سالاران و گروپ های منفی ای غربی منحنیث مشاورین در حکومت آقای اوایما که ماهانه مبالغ هنگفتی به دالر امریکائی از پول کمکی اضلاع متحده به افغانستان معاش حاصل مینمایند، قرار دارند. این گروه به واشنگتن آمده و تبلیغات منفی غیر حقیقی در مورد معضله افغانستان برپا مینمایند، که گویا مردم افغانستان يك ملت واحد نبوده و با همدیگر در مسائل ملی توافق نظر ندارند. این گروپ هم چنان نظر میدهند که به همین دلیل حکومت مرکزی برای افغانستان مساعد نبوده بلکه برای ثبات سیاسی مملکت در آینده يك سیستم قدرت منطقوی ولایتی به شکل فیدرالی بر قرار گردد.

اینجانب به دلایل ذیل بشما توضیح مینمایم که افغانستان بحیث يك دولت واحد، تحت يك بیرق واحد به داشتن يك حکومت واقعی ای ملی قوی و مساعد، با در نظر داشت يك رابطه دوستی متداوم با اضلاع متحده امریکا و عدم مداخله ممالک همسایه در حیات سیاسی آن، میتواند مشکلات فعلی را پشت سر بگذارد.

افغانستان با داشتن يك تاریخ پنج هزار ساله، با يك موقعیت محاط با خشکه و سوق الجیشی، در قلب آسیا توسط ممالک همجوار با سیستم های سیاسی مختلفه و علائق اجتماعی و عقائد مذهبی متفاوت احاطه گردیده است.

دولت افغانستان تا زمان کودتای منحوس و خونین کمونیستان خلق و پرچم در سال ۱۹۷۸، تنها يك روش مهم داشت و آنهم این بود که با تمام قوا تمامیت ارضی و حق خود ارادیت این مملکت غیر منسلک را از تهدید دشمنان خارجی و داخلی در امان نگهدارد!

متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، در سال های ۱۹۸۰ اضافه از ۲ میلیون افغان جان های خویش را نثار وطن نمودند و يك بر سه حصه نفوس مملکت آواره و بیچاره دیار بیگانه گردیدند و بالاخره با مبارزات پیگیر ملت افغان و همه بریادی ها، دشمن با خفت از پای در آمد و افغانستان و مردم آن دوباره به آزادی خویش دست یافتند. ولی با هزاران تأسف صلح و آرامش در مملکت هرگز میسر نگردید.

در ظرف سی و دو سال اخیر هیچ يك ازین حکومت برای منافع ملی ملت و مملکت مفید واقع نشده و کار مثبتی را از پیش نبردند. در اخیر سال ۲۰۰۱، قوای اضلاع متحده امریکا برای گرفتاری «بن لادن» به افغانستان داخل گردید، درحالیکه نامبرده و گروپش به کمک ای اس آی به پاکستان فرار نموده بودند و قوای عسکری ایالات متحده طالبان را به شکست مواجه ساختند.

بعد از آن افغان ها توقع داشتند که بالاخره بعد از بیست و چهار سال مشقت و بریادی بنیادی سرزمین شان، دارای يك حکومت ملی خواهد گردید و مخصوصاً امیدوار بودند که شاه مخلوع افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که در ده سال اخیر سلطنت خود با آوردن دیموکراسی و تفکیک قوای ثلاثه، شرائط امیدوار کننده ایرا برای ملت فراهم نموده بود، دوباره به وطن مراجعت نموده و به همکاری اضلاع متحده و ملل متحد، بالاخره يك حکومت با سویه ملی و مردمی تشکیل خواهد گردید.

متأسفانه با دائر شدن کنفرانس «بن» يك حکومت غیر ملی ای مصنوعی برای مردم افغانستان بمیان آمد که وظائف عالیرتبه دولت را بالای همان جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی تقسیم نمود که در سالهای ۱۹۸۰ در پاکستان و ایران تربیه گردیده و تشو و نما کرده بودند! این بزرگترین خبط سیاسی ای بود که وظائف ملی و حیاتی يك دولت

مستقل چون افغانستان آزاد را برای افراد معلوم الحال خائن، قانون شکن، نامساعد و دارای کمترین علمیت و تربیه اداری و سیاسی تقسیم نمودند. نتیجتاً اینها در دزدی و غارت کمک های خارجی، دارائی های عامه و ملی و منابع طبیعی و معدنیات افغانستان درین نه سال اخیر، از هیچ چور و چپاول خیانتی رو گردان نگردیدند!

در زمره این افراد خائینی هم هستند که مملکت را به روس ها فروختند و بعد حینیکه در اخیر سال ۲۰۰۱ میلادی نمایندگان سی آی ای به ریاست «گاری شرون» از راه شمال افغانستان با ۲۰ میلیون دالر داخل مملکت ما گردید این گروه آنانرا در شهر «آستانه و لایت پنجشیر» جا داده و حفاظت شانرا البته که اعضای شورای نظار بر عهده گرفت. در عوض این خوش خدمتی، مبلغ فوق الذکر بین اعضای معلوم الحال ائتلاف شمال به سرکردگی عبد الله عبد الله تقسیم گردید. مراجعه شود به کتاب گاری شرون «\*» امر تیم سی آی ای بنام First In.

امروز با گذشت ۹ سال، جنگسالاران بسیار قویترگشته و مملکت را به سه گروه گانگستری حکومت فاسد خائن، قاجاقبران و تفنگ سالاران تقسیم نموده اند و همه دارای سرمایه های هنگفت و قدرت بسیار بوده از پشتیبانی آخذن های ایران، روسیه فدرال و افراطیون پاکستان برخوردار هستند و رئیس جمهور کرسی را هم برای حفاظت و دوام خود ها استعمال مینمایند!

در اخیر قرن نهم پادشاه مطلق العنان افغان، امیر عبد الرحمن خان ملوک الطوائفی را در افغانستان منحل ساخت. در اوائل قرن بیست نواسه اش امیر امان الله خان بردگی را از بین برد، محبوسین سیاسی را آزاد کرد. مکاتب حبیبیه و حربیه را تأسیس نمود. بیطرفی افغانستان را در جنگ اول جهانی به نمایندگان ترکیه و آلمان اعلام نمود. تمام این پروگرام ها به منظور حفظ و حراست وحدت ملی، انکشاف و ثبات یک حکومت ملی و نتیجتاً نگهداری مملکت از تهدید های خارجی و بی ثباتی های داخلی بود.

در افغانستان پشتون ها از قدیم ترین اقوام هستند. بدون از سک ها، هندو ها و بودائی ها که ادیان قدیمی خود را با ارتباطات زبانی خویش حفظ کرده و بین خود ازدواج مینمایند، بعضی دیگر اقلیت ها که با قدرت های اشغالگر آمده اند و یا آنانیکه که از شرائط ناگوار اوطان شان به مملکت ما فرار نموده و یا بالاخره تعدادی هم از ممالک شمال دریای آمو از قبیل ازبکستان، تاجکستان و ترکمنستان از شرائط اجتماعی ناگوار اشغال قوای سرخ اتحاد شوروی، به افغانستان پناه آوردند. ازین اقلیت ها بیشتر از یک میلیون آنان بحیث اعضای ملی توسط پشتون ها پذیرفته گردیده و زمین های پر فیض شمال را با پول و مواشی آن که اکثرأ متعلق به بیت المال و دولت بود برای استفادۀ مهاجرین مذکور در سال های ۱۹۲۰ میلادی واگذار گردیدند.

از جانب دیگر مردمانی هم که با سکندر مقدونی از یونان و یا با گرگین از فارس به افغانستان آمدند، همه با پشتون ها مزج گردیده و با ازدواج ها ارتباطات فامیلی را تحکیم بخشیدند که همه اعضای ملت متحد افغانستان بزرگ هستند. در فامیل بزرگ اضافه تر از سه صد نفری خودم، که همه به زبان های پشتو، دری و دیگر دیالکت ها و حتی السنه خارجی مکالمه مینمایند، بدون شک همه افغان هستیم.

افغان های فامیل های یهودی که در سال ۱۹۴۰ میلادی، حین جنگ عمومی دوم بسفارت افغانستان پناهنده شده بودند، به حیث تابعین افغان قبول گردیدند، چنانچه تا سال ۱۹۷۰ فامیل های متعدد یهودی افغان را در کابل تشکیل میدادند و حالا هم بحیث یهودیان افغان در ممالک خارج حیات بسر میبرند.

جای بسیار افسوس و تأثر است که دولت افغانستان آزاد و غیر منسلک بعد از کودتای چپی ۱۹۷۸ از هم پاشیده است، بدین معنی که دولت افغانستان که از مجموع ساحه، نفوس و قوه حاکمه تشکیل میگردد، متأسفانه حکومت آن درین سی و دو سال به ارزش های ملی بی اعتنا بوده و برای دشمنان ملت و مملکت کار و فعالیت نموده اند. چنانچه همه حکومت درین دوره برای گروپ های خاص و ممالک خارجی فعالیت مینمایند نه برای منافع ملی مردم ما.

من به پالیسی های مدیرانۀ رئیس جمهور اوباما و حکومت شما آگاهی دارم. همچنان مشاهده مینمایم که بازی های حزبی سیاسی بر علیه ارزش های مفید ملی این مملکت بزرگ چگونه صورت میگیرد. بعضاً کوچکترین عمل منفی درین جا تأثیرات عظیم سیاسی و مطبوعاتی را در دیگر نقاط جهان بار می آورد.

بیاد دارم که در دهه هشتاد که برای آزادی افغانستان مجادله میکردیم، رئیس جمهور ریگن که در جهاد افغانستان بمقابل اشغالگران شوروی پشتیبان بود و بعضاً آزادی خواهان افغان را بصورت خصوصی در منزل خود واقع سنتا باربارا می پذیرفت، یکبار برای گروپی از افغان ها اظهار داشت که «در امور افغانستان ما پالیسی هم نوعی دو حزبه داریم و ماهمه میخواستیم که شما در راه حصول استقلال تان کامیاب گردید».

درین وقت حساس که با همکاری حکومت شما در مورد پیدا کردن یک راه بحری در بحر هند برای افغانستان شرایط امکان پذیر گردیده تا یک مرکز اجتماعی و اقتصادی را در بین ممالک شمال آمو و نیم قاره هند از طریق افغانستان ممکن بسازد، اشخاصی مانند «روور بیکر»، نماینده جمهوری خواهان امریکا با نمایندگان و اشخاص خائن و وطن فروش و نمایندگان تفنگ سالاران که مسئول اصل ناکامی های ۹ سال اخیر در افغانستان میباشند، در آلمان ملاقات

مینمایند تا جدائی و فیدرالیزم را در افغانستان پلان گذاری نمایند. این نوع اقدامات منفی و شایعات تخم دشمنی و نفاق را در بین مردم شریف افغانستان و اضلاع متحده امریکا گسترش میدهد. نامبرده با اشخاصی ملاقات نمود که مسئول مستقیم بربادی بنیادی شهر کابل، تقسیمات آن و قتل ۶۵ هزار سکنه بی دفاع کابل در سال های ۱۹۹۲-۱۹۹۶ میلادی میباشند! موسسه حقوق بشر تمام اسناد جنایات این دوره خونبار را ثبت و موجود دارد. بی عدالتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تنظیم شرم آور همین رژیم بود که مملکت افغانستان را شعله ور ساخت و حکومت طالبان را مردم در سال ۱۹۹۶ بعوض رژیم غیر قابل تحمل قبلی، ناچار قبول نمودند.

رژیم فیدرالی در افغانستان صرف دشمنان آنرا مانند روسیه، ایران و گروه های افراطی پاکستان کمک خواهد کرد و شرایط برایشان بصورت بهتر مهیا گشته و بنابراین دست آزاد تر در ولایات کشور ما برای مداخله خواهند داشت و البته مشکلات و افری برای قوای خارجی هم در همه جا فراهم خواهند نمود. چنانچه به اساس پلان خود قوای اضلاع متحده را خسته ساخته و مجبور به خروج میسازند، بعداً قرار نقشه های شوم شان ولایات افغانستان را از لحاظ مذهبی، قومی، لسانی تحریک نموده و بهره برداری های سیاسی و اقتصادی را ازین مملکت ویران مینمایند و باز هم جوی خون و کشتار در افغانستان روان خواهد گردید.

در نتیجه چنین پلان های مخرب، تأثیرات منفی جهانی را برای اضلاع متحده هم بار خواهد آورد. ما و شما نباید با بازی های شیطانی گروه های آزموده شده فوق بیشتر ازین فریب بخوریم، در عوض باید همکاری مردم امریکا با ملت افغانستان برای آوردن امنیت ملی واقعی، بازسازی و ایجاد يك اقتصاد مردمی استوار باشد. اگر میخواهیم که به اهداف نیک در افغانستان موفق گردیم، گروه های ملیشئیائی حتماً از قوای پلیس و اردوی ملی جدا ساخته شود و اشخاص بی کفایت و آنانیکه دهه ها به خیانت و جنایت در حق ملت افغان، مرتکب اعمال نامشروع و غیر ملی گردیده اند، باید با افراد صادق، با سویه، معتمد و ملی گرا و خیرخواه که با قانون احترام نمایند، تعویض گردند.

دشمنان ملت ما میدانند که امنیت واقعی در افغانستان «پیشنهاد من به وزیر دفاع امریکا»، با یک حکومت صادق و باسویه با تطبیق قانون بالای همه بصورت یکسان بوجود می آید، بنابراین گروه خائنین و وطن فروشان که تعداد شان از پنجاه نفر تجاوز نمیکند، باید هرچه زودتر به محاکم عدلی سپرده شوند تا از تنظیم و خیانت های خویش در حق ملت مظلوم و مملکت ویران جواب ده گردند.

در چنین حالتی است که اضلاع متحده با افغانستان يك دوستی محکم و روابط نیک داشته و با ناکامی دشمنان داخلی و خارجی افغانستان، امریکا به حیث يك مملکت پر قدرت در راه صلح و امنیت جهانی و افغانستان هم بحیث يك مرکز سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در قلب آسیا تبارز مینمایند.

با عرض احترام،  
محمد عیسی توحی

سنتا باربارا، کلیفورنیا

---

نوت: «\*» کتاب افشاء کننده گیری شرون آمر سی آی ای در منطقه را بنام First In میتوانید به آسانی از موسسه معروف عرضه کننده کتاب بنام Amazon.com از طریق انترنت به قیمت نازل و با سهولت بدست بیاورید.